

شکست مذاکرات، چشم انداز جنگ، چه باید کرد؟

بیانیه حزب کمونیست کارگری، صفحه ۲



فراخوان اقدام جهانی برای توقف اعدام‌ها در ایران، آزادی زندانیان سیاسی و تمامی معترضان بازداشتی، و نیز تضمین دسترسی آزاد مردم ایران به اینترنت بین‌المللی، از روز شنبه ۱۱ آوریل ۲۰۲۶ آغاز و تا تاریخ ۲۶ آوریل ادامه خواهد داشت.

این فراخوان تاکنون از سوی ۱۶۲ شبکه مبارزاتی، احزاب، تشکل‌های سیاسی و نهادهای مدنی و ۹ جمع از ایران مورد حمایت قرار گرفته است.

در پاسخ به این فراخوان تاکنون در ۱۰ کشور و ۲۱ شهر فعالیت‌هایی انجام شده یا در حال انجام است. با تمام قدرت به این کارزار پیوندیم. (صفحه ۷)

پاسخ فوری به حکومت ویرانگر انسانیت: انقلاب مردم است

شهلا دانشفر، صفحه ۴

اعتراضات از سر گرفته میشود

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوش، معلمان کارنامه سبز، کارگران پالایشگاه ایلام و اخباری دیگر

صفحه ۶

مدیای اجتماعی

محرومیت از خدمات درمانی و پزشکی مصداق بارز شکنجه و جنایت علیه زندانیان (صفحه ۷)

ادامه کشتار و سرکوبگریهای حکومت و کارزار جهانی علیه زندان و اعدام، صفحه ۸

بازداشت دسته‌جمعی ۱۸ تن از دانشجویان دانشگاه‌های تهران و مشهد، صفحه ۵

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۳۲

۳۱ فروردین ۱۴۰۵

۲۰ آوریل ۲۰۲۶



دوشنبه ها منتشر میشود

زدن زیر ساختها و جنایات
جنگی جمهوری اسلامی
حمید تقوائی، صفحه ۵

افزایش تحقیر آمیز

دستمزدها

صفحه ۷

فراخوان به اقدام جهانی
برای توقف اعدام‌ها و
آزادی زندانیان سیاسی
۱۵۰ نهاد و حزب و
تشکل به فراخوان پیوسته اند

صفحه ۸



توقف اعدام‌ها و لغو مجازات اعدام
آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان سیاسی و عقیدتی
دستورالعمل فوری مردم ایران به اینترنت آزاد

بدون سرنگونی، صلحی وجود ندارد

تجربه نشان داده است که نه جنگ و نه مذاکره، هیچ کدام راه حل نیستند. حتی اگر توافقی هم حاصل شود، تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است، زمینه جنگ و بحران باقی خواهد ماند.

شرط واقعی صلح، آزادی و ثبات در ایران و منطقه، سرنگونی کامل جمهوری اسلامی است، نه تغییر رفتار آن.



آمریکا که گرچه موضع انتقادی داشته‌اند اما خواهان مماشات با این رژیم و نهایتاً استحاله تدریجی آن به رژیمی قابل تحمل برای غرب از طریق اعمال تحریم‌های اقتصادی و غیره بوده‌اند. حتی در دو جنگ اخیر سیاست اصلی پشت جنگ از سوی آمریکا به تسلیم کشاندن و رام کردن و "تغییر رفتار" جمهوری اسلامی بوده است.

اکنون زمان آن رسیده است که تمام دنیا این واقعیت را به رسمیت بشناسد که جمهوری اسلامی هیچ مشروعیتی بعنوان دولت ایران ندارد. جمهوری اسلامی قاتل مردم ایران است و فاقد هرگونه صلاحیتی است که در هر مرجع جهانی مردم ایران را نمایندگی کند. اگر ذره‌ای شک در این زمینه باقی بود قاعدتاً حمام خون دی‌ماه و اعدام‌ها و دستگیری‌های هزاران نفره در طی جنگ و حزب‌الله و حشدالشعبی چرخانی در خیابان‌ها باید آنرا مرتفع کرده باشد. در یک کلمه این‌ها مشتی آدم‌کش و جلاد هستند که برای بقاء خود نه فقط جان و زندگی و آزادی ایرانیان را به گروگان گرفته‌اند که حالا پنجه بر گلوئی جهان نیز می‌فشارند.

بنابراین آتش‌بس فعلی نه فقط شکننده است و هر آن ممکن است آتش جنگی پرماده‌تر از قبل زبانه کشد، بلکه اگر هم آتش‌بس تمدید شود و حتی اگر طرفین به توافقاتی هم برسند، این سازش فضای جنگی و پر تش در منطقه و احتمال جنگهای آتی را مرتفع نخواهد کرد. چرا که جمهوری اسلامی برای بقاء خود در برابر انقلاب مردم به غرب‌ستیزی، کوبیدن بر طبل اسلام سیاسی و سازماندهی تروریسم در منطقه نیاز دارد و همین زمینه‌ساز تقابل‌ها و جنگ‌های بعدی و تبدیل کردن هر چیزی به سلاحی برای بقاء خواهد بود. لذا چنانکه مکرراً اعلام کرده‌ایم سرنگونی جمهوری اسلامی شرط لازم کنار زدن سایه جنگ و دستیابی به صلح است. اما شرط کافی آن قدرت‌گیری مستقیم مردم یا همان پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی است که صلح و همکاری و برابری بر مبنای رعایت کرامت انسان را بشارت می‌دهد.

اگر جنگ ۳۹ روزه درسی داشته است این است که سرنگونی جمهوری اسلامی کار انقلاب مردم ایران است. در این میان بهترین اقدامی که آمریکا و سایر دولتها و ارگانهای بین‌المللی میتوانند انجام دهند نه جنگ و سازش و مماشات بلکه، چنانکه همواره بر آن تاکید داشته‌ایم، بایکوت همه جانبه و طرد تمام و کمال جمهوری اسلامی از تمام نهادها و مراجع بین‌المللی است. جمهوری اسلامی باید مانند رژیم آفریقای جنوبی از جهان طرد شود و بعنوان رژیم مرتکب جنایت علیه بشریت و علیه

شکست مذاکرات، چشم انداز جنگ، چه باید کرد؟

بیانیه حزب کمونیست کارگری

جنگ ۳۹ روزه جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل، به آتش بسی ۱۵ روزه منجر گردید که بلافاصله مذاکراتی مستقیم، طولانی و در سطوح بالا بین آمریکا و جمهوری اسلامی را در پی داشت بی آنکه به توافقی بیانجامد. اکنون تهدید آغاز مرحله نوینی از جنگ در حالی بر منطقه سایه افکنده است که دو طرف ضمن تهدید و رجزخوانی علیه یکدیگر در عین حال احتمال از سرگیری دور جدیدی از مذاکرات و دستیابی به توافق را منتفی ندانسته‌اند.

موضوع اصلی دعوا و تهدید متقابل، اینبار عبور و مرور کشتی‌ها از تنگه هرمز است که در جریان جنگ اخیر توسط جمهوری اسلامی اساساً متوقف شد و عملاً به سلاح جنگی تبدیل گردید. اگر پیش از جنگ اخیر خطر دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای تهدیدی استراتژیک و بالقوه برای صلح و ثبات منطقه محسوب می‌شد، اکنون جمهوری اسلامی با بستن تنگه هرمز این مهمترین شریان صدور نفت و برخی کالاهای کلیدی دیگر، سازوکار روزمره اقتصاد جهان را به گروگان گرفته و تهدیدی فوری و بالفعل برای تمام دنیا محسوب می‌شود.

بدین ترتیب اکنون بحران بقاء جمهوری اسلامی ابعادی تماماً جهانی یافته است. رژیمی که برای سرکوب مردم ایران و بقاء خویش ۴۸ سال است مرگ بر آمریکا و اسرائیل را فریاد زده، و تروریسم اسلامی را در منطقه بسیج کرده، اکنون که ضربات سنگین همه‌جانبه و متعددی متحمل شده و حتی قتل عام خیابانی دهها هزار نفر در دی‌ماه گذشته نیز نتوانسته وحشت‌اش از تهدید انقلاب مردم را برطرف کند، جنگ به گلوگاه اقتصادی جهان در تنگه هرمز انداخته تا مگر ادامه حیات ننگین خود را تضمین کند. به عبارت دیگر باج‌گیری علنی از دنیا به اعدام، زندان، ترور، موشک، پهپاد، غنی‌سازی و دیگر اجزاء زرادخانه جمهوری اسلامی برای بقاء اضافه شده است.

این بهیچ وجه اقدامی از سر قدرت و ناشی از داشتن چشم‌اندازی روشن برای بقاء نیست. برعکس، این چنگ کشیدن به روی دنیا حکایت از اوج استیصال و بی‌افقی جمهوری اسلامی دارد. اگر کشتار و قتل عام دی‌ماه اعلام آشکار این بود که جمهوری اسلامی در برابر مردم انقلابی ایران تماماً به آخر خط رسیده و جز با انکاء به اعدام و زندان و حمام خون قادر به بقاء نیست، اکنون با حمله به کشورهای منطقه و بستن تنگه هرمز در واقع به جهان نیز اعلان جنگ داده است. جمهوری اسلامی آخرین مراحل حیات خود را می‌گذراند. اما این رژیم ابایی ندارد که در دست و پا زدن‌هایش برای بقاء به ایران، منطقه و جهان بیش از پیش خون بپاشد. جمهوری اسلامی اکنون حکم تروریست استشهادی را دارد که تنگه هرمز را چون کمربند انتحاری به خود بسته و جهان را تهدید می‌کند که اگر بقاء اش تهدید شود ضامن را خواهد کشید.

اکنون دیگر همه جهان باید با تمام وجود در کنار مردم ایران و انقلاب‌شان برای سرنگونی جمهوری اسلامی قرار گیرد. وقایع اخیر حقیقتی که مردم ایران سال‌هاست با گوشت و پوست خود و با از دست دادن بهترین فرزندان‌شان تجربه کرده‌اند را بار دیگر اثبات کرد. سرنگونی تام و تمام جمهوری اسلامی شرط اول دستیابی به صلح و آزادی و رفاه در ایران و در منطقه است.

متأسفانه یک مانع بزرگ بر سر انقلاب ایران و تلاش مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی، حمایت و برخورد اغماض‌گرانه‌ای است که جمهوری اسلامی همواره از آن برخوردار بوده؛ نه فقط از سوی قدرت‌هایی چون چین و روسیه که حامی پیگیر جمهوری اسلامی و جنایاتش بوده‌اند، بلکه از سوی بلوک غرب و

از صفحه ۲

شکست مذاکرات، ...

مردم ایران شناخته و سران آن به دادگاه فراخوانده شود.

موفقیت در این راه بدون جلب حمایت گسترده افکار عمومی دنیا به مبارزه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و بویژه جنبش انقلابی زن زندگی آزادی ممکن نیست. بویژه باید جنبش‌های مترقی حاضر در دنیا، نظیر جنبش "نه به شاه" در آمریکا با زن زندگی آزادی در ایران پیوند و همبستگی یابند. اینها اجزاء یک کل واحد برای پاک کردن دنیا از وجود جنایتکاران حاکم است.

البته در این راه موانع جدی در برابرمان وجود دارد که لازم است بر آنها فائق آمد. بویژه تا آنجا که به وظایف حزب ما بر می‌گردد با دو گرایش ارتجاعی و بازدارنده که هر دو بنفع جمهوری اسلامی عمل میکنند، باید مقابله کرد. اول گرایش دفاع طلب و آشکار و نهان پرو جمهوری اسلامی است که از ضدآمریکائی گری پوسیده تحت لوای "مبارزه با امپریالیسم" و مهمتر از جنبش وسیع پاسیفیسم غیرسیاسی علیه جنگ تغذیه می‌کند. بسیاری از چپ‌های سنتی و گرایش‌های مختلف جنبش ملی اسلامی به این جریان پیوسته‌اند.

دوم گرایش جنگ طلب پرو ترامپ و پرو نتانیاهو است که ترامپیست‌های وطنی یعنی سلطنت‌طلبان آنرا نمایندگی می‌کنند. اینها می‌کوشند نفرت به حق مردم ایران از جمهوری اسلامی و قاتلان حاکم بر ایران را به امید بستن به ترامپ و نتانیاهو کانالیزه کنند و با شمشیر شیر و خورشیدشان مگر سر از تن انقلاب زن زندگی آزادی جدا کنند و کاری را به سرانجام برسانند که جمهوری اسلامی با ده‌ها هزار کشته و زخمی و زندانی موفق به انجام آن نشد. این هردو گرایش عملاً هر کدام یک طرف جنگ حاضر را تقویت می‌کنند و هردو در عمل به نفع جمهوری اسلامی یعنی تداوم زمینه اصلی جنگ عمل می‌کنند. تاکید می‌کنیم، سریعترین و قاطع‌ترین راه پایان دادن به جنگ و وضعیت جنگی حاضر و دستیابی به صلح پایدار همانا سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی زن زندگی آزادی در ایران است.

انقلاب زن زندگی آزادی در ادامه و محصول تکامل مبارزات چند دهه مردم ایران فقط پاسخ مردم ایران به جمهوری اسلامی و جنایاتش نیست. بلکه هدیه‌ای است به دنیا و مشخصاً راه حل مردم ایران برای مقابله با خطری است که جنگ طلبی جمهوری اسلامی اکنون بالای سر دنیا قرار داده است. این انقلاب در ایران زنده و قدرتمند است. کافی است به اعدام‌های چپ و راستی که جمهوری اسلامی از زندانیان سیاسی در همین جنگ ۳۹ روزه انجام داد دقت کنید. کافی است به تهدیدهای علنی و وقیحانه اژهای و رادان و خط و نشان کشیدن‌هایشان برای مردم دقت کنید. کافی است تعداد کثیر و رو به تزایدی که همین روزها به جرم "جاسوسی" و "خیانت به وطن" دستگیر شدند را بشمارید. کافی است به صف اوباش حیدر

شکست مذاکرات، سایه جنگ - راه حل چیست؟

آتش بس موقت و شکست مذاکرات نشان می‌دهد که بحران نه حل شده و نه قابل حل در چارچوب این کشمکش‌هاست. تهدید جنگ همچنان بر منطقه سایه انداخته و هردو طرف، هم‌زمان با تهدید، از مذاکره هم سخن می‌گویند. این یعنی بی‌ثباتی ادامه دارد.

واقعیت این است که ریشه این بحران نه در مذاکرات، بلکه در موجودیت جمهوری اسلامی است. تا این رژیم هست، جنگ، بحران و ناامنی نیز ادامه خواهد داشت.



حیدر گو و ایست‌های بازرسی خیابانی که بدنبال هر بمب و موشکی بر سر مردم فرود آمد نگاه کنید. کافی است به تلاش سرآسمه رژیم برای آوردن اوباش حشدالشعبی و زینیون به خیابان‌ها و نمایش پر سر و صدای آن دقت کنید. همینطور کافی است به رقص سوگ مردم بر مزار عزیرانشان پس از کشتار دیمه و همچنین شادی خیابانیشان پس از هلاکت خامنه‌ای توجه کنید. کافی است به همیاری و همکاری وسیع مردم در طول جنگ و به منظور تخفیف دادن مصائب آن دقت کنید. به کمک‌های پزشکی و به رسیدگی به کسانی که قادر به تامین خود نیستند. کافی است به جنبش ادامه‌دار سه شنبه‌های نه به اعدام حتی در دل جنگ نظر افکنید. این‌ها همه نشانه‌های حضور و تداوم و قدرت انقلابی ریشه‌دار است و مردمی انقلابی که در مهلکه موشک‌ها و بمب‌ها و افسوس از خرابی‌ها و جان‌های عزیزی که از دست رفت، کشته‌های قاتلان و جانان حاکم بر ایران را با خوشحالی می‌شمارد تا به وقت مناسب با قدرت به خیابان برگردد و رژیم اسلامی را برای همیشه به گورستان تاریخ بسپرد و جهانی را از شر تروریسم اسلامی رها کند. این انقلاب در مقابل این جنگ و جهنمی که برپا شد عقب نشست بلکه آبدیده شد و آموخت و تا دوباره با قدرت به پا خیزد و به بن‌بست فعلی پایان دهد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ فروردین ۱۴۰۵، ۱۴ آوریل ۲۰۲۶

کارگر کمونیست

به حزب کمونیست کارگری
پیوندید!

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

شبکه‌های همیاری را
همه‌جا ایجاد کنیم!



سازمان بدهیم.

به یاری هم برخیزیم!

زندانی سیاسی،
معتزض زندانی



آزاد باید گردد!

پاسخ فوری به حکومت ویرانگر انسانیت: انقلاب مردم است



بخش‌های حیاتی مانند درمان، تولید، تجارت و حمل‌ونقل را مختل کرده و به بیکاری گسترده انجامیده است. میلیون‌ها نفر که معیشتشان به اینترنت وابسته است، مستقیماً آسیب دیده‌اند.

از سوی دیگر، هزینه‌های کلان نظامی، از جمله ساخت شهرک‌های

زیرزمینی موشکی، منابع عظیمی را از زندگی مردم خارج کرده و به بحران‌های زیست‌محیطی دامن زده است. بحران‌هایی مانند کمبود آب، فرونشست زمین و نابودی کشاورزی، امنیت زیستی جامعه را تهدید می‌کنند.

در کنار این مسائل، حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به مراکز نفتی و صنایع فولاد و برخی از دیگر زیر ساختها نیز خسارات گسترده‌ای به بار آورده و حتی در جاهایی دامنه‌اش به خانه‌های مسکونی کشیده شد. جنگی که حکومت مسبب آن است و در جریان آن، با استقرار نیروهای نظامی در مناطق مسکونی، مردم را به سپر انسانی تبدیل کرد. بطوریکه شهرداری تهران از تخریب ۳۹ هزار واحد مسکونی گزارش میدهد و در مقابل مردمی که خسارت می‌خواهند فاطمه مهاجرانی معاون بیشرم پزشک‌ها از این که دولت ناتوان از پرداخت این خسارت است سخن می‌گوید. بطور مثال در این حملات، پالایشگاه‌ها، مناطق عسلیویه و پتروشیمی‌های جنوب و هفتاد درصد از صنایع فولاد و ۹۰ کارخانه در مراکز کارگری در ساوه و اراک هدف قرار گرفته و در نتیجه آن هزاران کارگر معیشت و زندگی‌شان به خطر افتاده است.

طبق گزارشات در حال حاضر در مناطق نفتی کارگران با یک دوم یا یک سوم ظرفیت در محل کار حاضر میشوند و تحت عنوان آواربرداری و الزامات امنیتی از ورود آنان جلوگیری میشود و بخشی از آنان بصورت دورکاری کار میکنند. در پتروشیمی‌ها پرداخت مزد و متعلقات آن برای سه ماه به تعویق افتاده و اعلام شده است که در صورت طولانی شدن کار بازسازی بخش بزرگی از آنها و حتی ردهای بالای تخصصی اخراج خواهند شد. و این وضعیت مراکز نفتی را که کانون‌های داغی از اعتراض هستند و نقش کلیدی در اقتصاد دارند، دچار بحران و تلاطم کرده است. و بیکارسازیها تنها به این مراکز محدود نمیشود، بلکه زنجیره‌ای بسیاری از بخش‌های مختلف را در بر میگیرد. به عنوان نمونه، حدود هشتاد درصد کارگران ساختمانی بیکار شده‌اند. و یکی از ابر هلدینگهای اتومبیل سازی هفتاد درصد نیروی کار خود یعنی هفت هزار کارگر را اخراج کرده است. همچنین کارخانه‌ای مانند فولاد سیادن به بهانه بدهی به اداره برق، ۱۸۰ کارگر خود را اخراج کرده و این کارگران ماه‌هاست دستمزدی دریافت نکرده‌اند. این فهرست همچنان رو به گسترش است.

بدین ترتیب تعویق در پرداخت دستمزدها، اخراج‌های گسترده و کاهش ظرفیت تولید، شرایط را برای کارگران بحرانی‌تر کرده است.

در چنین بستری، مبارزه بر سر معیشت به‌طور مستقیم به مبارزه‌ای سیاسی علیه ساختار حاکم تبدیل شده و مطالباتی مانند پرداخت خسارات جنگی، افزایش دستمزدها متناسب با هزینه‌های زندگی، رفع فوری محدودیت‌های اینترنت، توقف اعدام‌ها و آزادی زندانیان سیاسی، دسترسی به درمان رایگان، از جمله محورهای اصلی آن خواهند بود.

خیزشی در امتداد جنبش "زن، زندگی، آزادی" و خیزش دیمه که به‌سوی تقابلی عمیق‌تر و ریشه‌ای‌تر پیش می‌رود؛ تقابلی که هدف آن پایان دادن به ساختارهای فاسد

سال ۱۴۰۱، انقلاب «زن، زندگی، آزادی» نقطه‌عطفی تاریخی در جنبش سرنوشتی جمهوری اسلامی در ایران بود. در سال ۱۴۰۴، خیزش مردمی در بیش از دویست شهر، فاز جدیدی از این انقلاب را با محوریت معیشت رقم زد. حکومتی که خود را در آستانه سقوط می‌دید، با دست زدن به یک کشتار گسترده تلاش کرد بقای خود را تضمین کند؛ چرا که تنها راه بقای آن، سرکوب و جنایت است. با این حال، به‌پا خاستن دوباره مردم پس از دی‌ماه خونین، پاسخی قاطع به این سرکوبگری‌ها بود. در ادامه، آغاز جنگ جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا و تبعات آن، تحولی بزرگ در اوضاع سیاسی ایران و روند آتی آن بود. این جنگ پس از ۳۹ روز به آتش‌بس انجامید، اما تنش‌ها و فضای جنگی همچنان ادامه دارد. گسترش دامنه جنگ به منطقه، بسیاری از کشورهای منطقه را نیز در تقابل با جمهوری اسلامی قرار داده است. همچنین بستن تنگه هرمز به بحرانی جهانی تبدیل شد و واکنش آمریکا در قالب محاصره این تنگه، این موضوع را به محور اصلی مذاکرات بدل کرده است؛ موضوعی که می‌تواند بیش از پیش جهان را علیه جمهوری اسلامی بسیج کند.

در سطح داخلی نیز، با کشته شدن خامنه‌ای و حذف بخش‌هایی از رده‌های بالای حاکمیت، انسجام ساختاری حکومت دچار فروپاشی شده است. هیچ اتوریته‌ای برای مدیریت شرایط پس از جنگ و وضعیت انفجاری جامعه وجود ندارد. مجتبی خامنه‌ای نیز بیشتر به نمایشی صوری شباهت دارد. نیروهای سرکوب حکومت هم آسیب‌های جدی دیده‌اند. مجموعه این تحولات، موقعیت جمهوری اسلامی را در داخل، منطقه و سطح جهانی به‌شدت تضعیف کرده و معادلات را به زبان آن تغییر داده است.

در چنین شرایطی، چرخ اقتصاد از کار افتاده و زندگی روزمره مردم از روال عادی خارج شده است. و مردمی که دادخواه دیمه خونین اند و از بدتر شدن هر روزه وضعیت معیشتی خود و جنگ افروزیهای حکومت و سرکوبگریهای بیرحمانه‌اش جان‌شان به لب رسیده، امر فوریشان کنار زدن جمهوری اسلامی است. به این معنا که امروز فقر و وخامت معیشتی و سرکوب و اعدام، به نقطه انفجار دوباره جامعه تبدیل شده است. با این حال شکستهای حکومت، تشتت درونی آن و فشارهای جهانی و منطقه‌ای، امکان تکرار کشتارهای گسترده برای مهار اعتراضات را برای جمهوری اسلامی دشوارتر کرده است.

با این مقدمه نگاهی به وضعیت معیشت جامعه که یک محور مهم خیزش مردمی در شرایط پیش رو خواهد بود، داشته باشیم.

جنبش بر سر معیشت

اقتصاد جمهوری اسلامی پس از ۴۷ سال غارت، فساد و سیاست‌های جنگ‌افروزان، مدت‌هاست وارد مرحله فروپاشی شده و جنگ اخیر این بحران را عمیق‌تر کرده است. در این میان، مردم اصلی‌ترین قربانیان این وضعیت هستند. گزارش‌ها از افزایش شدید قیمت‌ها و تورم افسارگسیخته حکایت دارند. هزینه دارو به ارقام نجومی رسیده و قیمت مواد غذایی مانند لبنیات و گوشت به‌شدت افزایش یافته است. فقر و گرسنگی گسترش یافته و نظم زندگی اجتماعی دچار اختلال شده است. تخریب زیرساخت‌ها نیز به تعطیلی گسترده مشاغل و مسدود شدن مسیرهای تأمین معیشت انجامیده است.

یکی از نمونه‌های بارز این وضعیت، قطع اینترنت از نیمه دی‌ماه تاکنون است. حکومت با قطع اینترنت و ایجاد خاموشی دیجیتال، سرکوب دی‌ماه خونین را به جریان انداخت و دهها هزار نفر را قتل عام کرد. در ادامه این کشتار سرکوب و دستگیریه‌ها ادامه یافته است. علاوه بر قطع طولانی مدت اینترنت ضربات سنگینی به اقتصاد از هم گسیخته کشور و گردش امور جامعه وارد کرده است. این اختلال،



زدن زیر ساختها و جنایات جنگی جمهوری اسلامی

حمید تقوائی

در هفته آخر جنگ اخیر مساله زدن زیر ساختها به مساله مهمی بدل شد و بسیاری از مخالفین جنگ بر صدمات ناشی از زدن پلها و نیروگاهها تاکید میکردند. اکنون افشین کلاهی از مقامات اتاق بازرگانی ایران میگوید: "خسارت قطع اینترنت بطور مستقیم بین ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار و خسارت غیر مستقیم حدود ۷۰ تا ۸۰ میلیون دلار در روز است. و این معادل است با از دست دادن ۲ نیروگاه متوسط و دو پل عظیم در هر روز."

این ارقام را در ۴۶ روز ضرب کنید تا عمق فاجعه را دریابید. اکنون معلوم میشود بزرگترین ضربه به زیرساختها کار خود جمهوری اسلامی است آن هم نه علیه آمریکا و اسرائیل و یا تنها با حمله عامدانه به مراکز صنعتی و محلات مسکونی در قطر و بحرین و امارات، بلکه در جنگ با مردم در خود ایران! مساله هم فقط خسارت مالی و اقتصادی نیست. تا همین جا میلیونها خانواده که از طریق قطع اینترنت امرار معاش میکردند وضعشان بدتر از بد شده و به خاک سیاه نشسته اند.

معمولا جنایات جنگی را طرفهای متخاصم علیه یکدیگر مرتکب میشوند ولی جمهوری اسلامی از این نظر هم استثنا است. این حکومتی است که حتی زیر بمباران دشمن علیه مردم خود دست به جنایت جنگی میزند. اختناق اینترنتی در کنار اعدامها و دستگیریهای گسترده و ایستهای بازرسی عابرین، و گله چرخانی فاطمیون و زینبیون و حشدالشعبی در خیابانها جزئی از این جنایات جنگی است. جنایتی که در واقع ادامه کشتار دهشتناک دیماه در شرایط جنگی بود. باید گفت بخش عمده

صدمات و لطامات جنگ ۳۹ روزه علیه مردم ایران مستقیم و یا غیر مستقیم توسط جانیان حاکم بر ایران صورت گرفته است. و این لطامات و صدمات با بستن تنگه هرمز بوسیله جمهوری اسلامی میرود که ابعادی جهانی به خود بگیرد. بستن اینترنت در واقع جزء مکمل بستن تنگه هرمز است. یکی گلوله مردم ایران را میفشارد و دیگری گلوله اقتصاد جهانی را. و هر دو جزئی از آخرین تلاشهای حکومت خونریزی است که برای بقای خود به هر جنایتی دست میزند.

باید از کار زار جهانی اقدام مشترک بیش از ۱۳۰ حزب و نهاد علیه اختناق اینترنتی، علیه دستگیریها و علیه اعدام فعالانه حمایت کرد. در سطح دنیا نیز باید پرچم زن زندگی آزادی را، که حمایت آزادیخواهان و مردم شریف جهان را با خود دارد، برافراشت و از دولتها و ارگانهای بین المللی خواست که جمهوری اسلامی را بخاطر جنایاتش در ایران و در جهان طرد و بایکوت کنند.

۲۶ فروردین ۱۴۰۵، ۱۴ آوریل ۲۰۲۶

بازداشت دسته جمعی ۱۸ تن از دانشجویان دانشگاههای تهران و مشهد

شریف، ابتدا به بازداشتگاه منتقل شدند و آن شب را در سلول انفرادی گذراندند. روز یکشنبه ۲۳ فروردین در دادسرای انقلاب مشهد اتهاماتی از قبیل «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی (و) فعالیت تبلیغی علیه نظام (به آنها تهمین و سه نفر با قرار کفالت آزاد شدند. با این حال، محمدپارسا گلچین هم چنان در بازداشت به سر میبرد. جمهوری اسلامی شرایط جنگی را غنیمت شمرده و بر شدت بازداشتها و سرکوب شهروندان و به تبع آن دانشجویان افزوده است. روندی که وضعیت زندانیان سیاسی و معترضین بازداشت شده را در وضعیت هشدارآمیز قرار می دهد و مساله آزادی زندانیان سیاسی و توقف بازداشتها را به یکی از مسائل مبرم این روزهای فضای سیاسی ایران تبدیل می کند. (برگرفته از مدیای اجتماعی)

به گزارش دانشجویان متحد، شامگاه روز شنبه ۲۲ فروردین در حالی که ۱۸ نفر از دانشجویان دانشگاههای تهران، بهشتی، شریف و فردوسی که در دوران دبیرستان در مدرسه سمپاد هم مدرسه ای بودند و با یکی از اساتید جامعه شناسی دوران دبیرستان خود دیداری برای رفع دلنگی داشتند، ناگهان با ورود مامورین مسلح مواجه شده و پس از ضرب و شتم شدید عده ای از آنها و ضبط گوشی همراه، آنها را به بازداشتگاهی نامعلوم منتقل کردند.

پس از بازجویی اولیه ۱۴ نفر از آنها آزاد شدند و ۴ نفر از آنها یعنی محمدپارسا گلچین، ورودی ۱۴۰۳ رشته ادبیات دانشگاه تهران، محمدحسن خوش چهره، ورودی ۱۴۰۳ مهندسی برق دانشگاه شریف، ایلیا صبورینسپ، ورودی ۱۴۰۳ علوم اجتماعی دانشگاه تهران، حسین مهدی پناه، ورودی ۱۴۰۳ مهندسی برق

انقلاب زنده است

سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد زن، زندگی، آزادی

علیرغم سرکوب، اعدام، دستگیری و فضای جنگی، نشانه های زنده بودن انقلاب همه جا دیده می شود - از اعتراضات تا همبستگی اجتماعی و مقاومت در برابر اعدام.

این انقلاب عقب نشسته است. بلکه آبدیده تر شده و آماده است تا در لحظه مناسب، با قدرت بیشتری بازگردد.

پایان جنگ، پایان تروریسم، و آغاز یک زندگی انسانی - در گرو سرنگونی این رژیم است.

این مبارزه ادامه دارد. این انقلاب زنده است. و پیروزی آن، نه فقط برای ایران، بلکه برای رهایی جهان از یک تهدید بزرگ ضروری است.

پاسخ فوری به حکومت ...

و مافیایی حاکم است.

در نهایت، تنها از طریق قدرت یابی مردم و پیروزی انقلاب «زن، زندگی، آزادی» یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و به زباله دان ریختن تمام سنتها و سیاستهای آتست که می توان به فقر و بی تاملی، به تبعیض و نابرابری، به جنگ و ناامنی و به کل توخ و بردگی حاکم پایان داد. آلترناتیو ما برای این پیروزی تمام قدرت بدست خود مردم است. *



اعتراضات بخشهای مختلف کارگری از سر گرفته میشود

بازنشستگان شوش، معلمان کارنامه سبز، کارگران پالایشگاه ایلام، کارگران برق و زندانیان سیاسی



تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوش

علیرغم فضای نظامی و امنیتی حاکم در شهرها بازنشستگان دوباره به میدان می آیند. روز ۳۰ فروردین جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرستان شوش در ادامه اعتراضاتشان با تجمع در ساختمان تامین اجتماعی این شهر علیه وخیم تر شدن وضعیت معیشتی خود و تأخیر در ابلاغ مصوبه مزدی شورای عالی کار دست به تجمع زدند.

تجمع معلمان کارنامه سبز

روز ۳۰ فروردین معلمان کارنامه سبز در ادامه اعتراضاتشان با خواست استخدام رسمی در آموزش و پرورش دست به تجمع زدند و خواستار تعیین تکلیف فوری وضعیت استخدامی خود شدند.

تجمع اعتراضی کارگران پالایشگاه گاز ایلام

روز شنبه ۲۹ فروردین کارگران اخراجی شرکت جهانپارس فاز دوم پالایشگاه گاز ایلام با خواست بازگشت به کار و معوقات مزدی خود در مقابل ساختمان اداره کار این شهر تجمع کرده و بطرف فرمانداری راهپیمایی کردند. در این شرکت ۳۵۰ کارگر به کار اشتغال داشتند که ۱۵۰ نفر از آنان از مهر ماه از کار بیکار شده اند. و خواست فوری آنها بازگشت به کار و پرداخت به موقع دستمزدهاست. طبق گزارشات منتشر شده بیش از ۱۵۰ نفر از کارگران اخراج شده پالایشگاه گاز ایلام شاغل در شرکت پیمانکاری جهانپارس که از مهر ماه از کار بیکار شده اند در مقابل این شرکت تجمع کردند.

در طول جنگ صدها هزار نفر از کارگران نفت و فولاد و غیره بیکار شده اند. و این در حالی است که هزینه ها در این مدت بشدت افزایش یافته است. حزب کمونیست کارگری بر اتحاد سراسری علیه اخراج ها، نپرداختن دستمزدها و پرداخت فوری خسارتهای جنگی وارده بر مردم تأکید دارد.

تداوم کارزار سه شنبه های نه به اعدام

روز سه شنبه ۲۵ فروردین، کارزار سه شنبه های نه به اعدام در ۵۶ زندان در شکل اعتصاب غذای سراسری تداوم یافت و خبر آن علیرغم قطع اینترنت و جنگ رسانه ای شد. این اعتراض علیه اعدامها و برای توقف این شکل جنایتکارانه مجازات است. طبق گزارشات، در سال ۲۰۲۵ دست کم ۱۶۳۹ نفر در ایران اعدام شده اند و این عدد نسبت به سال ۲۰۲۴ معادل ۶۸ درصد افزایش یافته است. جمهوری اسلامی که خود را در خطر سقوط می بیند با ابزار سرکوب با برآمد دیگر از خیزش مردم مقابله میکند.

اعتراض زندانیان سیاسی و عقیدتی زندان ارومیه

روز ۲۵ شهریور زندانیان سیاسی و عقیدتی محبوس در بند موسوم به «ارشاد» در زندان مرکزی ارومیه، در اعتراض به کیفیت پایین غذا، از تحویل گرفتن آن خودداری کرده و قباله های غذا را به نشانه اعتراض بازگرداندند. زندانیان این بند که تعداد آنها به ۴۹ نفر می رسد در این روز هنگام توزیع ناهار به دلیل بوی نامطبوع و کیفیت پایین غذا از دریافت آن امتناع کرده و آن را بازگرداندند.

اعتراض کلاه زردها علیه عدم افزایش دستمزدها

طبق گزارشات کارگران برق معروف به کلاه زردها صدای اعتراض خود را رسانه ای کرده و اعلام کردند که «بعد از چهل روز کار در شرایط سخت جنگی، حقوقشان افزایش پیدا نکرده و سازمان توانیر دستور داده دستمزد فروردین اپراتورها براساس احکام سال قبل پرداخت شود. کارگران برق قوی یک بخش معترض از جنبش کارگری هستند که در همین رابطه و در اعتراض به قراردادهای موقت کاری خود بارها تجمع و اعتراض داشته اند.

تعطیلی ۹۰ کارخانه در ساوه و اراک

جنگ افروزی های حکومت و جنگ آن با آمریکا و اسرائیل مراکز کاری بسیاری را به تعطیلی کشاند. در سایه جنگ حکومت تعرضاتش را به معیشت و کار کارگران شدت داده و گزارشات از آسیب نظامی ۹۰ کارخانه در ساوه و اراک و توقف تولید در آنها و بیکارسازیها خبر میدهند. طبق این گزارشات اختلال در تأمین مواد اولیه و خسارات ساختاری، معیشت شاغلان این واحدهای صنعتی را در وضعیت بحرانی قرار داده است. همچنین در بسیاری از کارخانجات کارگران چندین ماه است که مزدی نگرفته اند. از جمله کارگران کارخانه داروگر تهران اعتراض خود را به عدم پرداخت سه تا پنج ماه مطالبات مزدی معوقه به همراه عیدی پایان سال رسانه ای کرده اند. بیکارسازی های گسترده، تعویق پرداخت دستمزدها و گرانی های کمر شکن زمره های اعتراض در میان کارگران را افزایش داده است. کارگران و مردم بخاطر نابودی معیشت و زندگی شان در بستر جنگی که حکومت مسبب و عامل آنست خسارت می خواهند. کارگران و مردم به ادامه جنگ افروزیهای حکومت که زندگی و معیشتشان را به نابودی کشانده است معترضند و جامعه آبدستن انفجار اعتراضات مردمی بر سر معیشت است. اعتراضاتی در ادامه خیزش دیماه ۱۴۰۴ که نابودی کل این بساط جهنمی حاکم را هدف قرار داده است. با تمام قدرت برای آن متحد شویم و صف اعتراضاتمان را سازمان دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ فروردین ۱۴۰۵، ۲۰ آپریل ۲۰۲۶

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

اقدام جهانی برای توقف اعدامها، آزادی زندانیان سیاسی و همه معترضین بازداشتی و آزاد شدن اینترنت

۱۶۲ شبکه مبارزاتی، احزاب، تشکلهای سیاسی و نهادهای مدنی و ۹ جمع از ایران اعلام همبستگی کرده اند



فراخوان اقدام جهانی برای توقف اعدامها در ایران، آزادی زندانیان سیاسی و تمامی معترضان بازداشتی، و نیز تضمین دسترسی آزاد مردم ایران به اینترنت بین‌المللی، از روز شنبه ۱۱ آوریل ۲۰۲۶ آغاز و تا تاریخ ۲۶ آوریل ادامه خواهد داشت. این فراخوان تاکنون از سوی ۱۶۲ شبکه مبارزاتی، احزاب، تشکلهای سیاسی و نهادهای مدنی و ۹ جمع از ایران مورد حمایت قرار گرفته است. در پاسخ به این فراخوان تاکنون در ۱۳ کشور و ۲۵ شهر فعالیت‌هایی انجام شده یا در حال انجام است. با تمام قدرت به این کارزار پیوندیم.

حامیان اقدام جهانی آوریل از ایران:

جمعی از فعالین زن زندگی آزادی در دزفول، جمعی از فعالین زن زندگی آزادی در اندیمشک، انجمن دفاع از محیط زیست در اصفهان

جمعی از کارگران نفت در عسلویه، جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته در شیراز، بازنشستگان مطالبه گر در اراک، جمعی از مادران دادخواه دی ماه خونین، کارزار دفاع از کادر درمان زندانی، جمعی از خانواده های بازداشت شدگان دیمه



افزایش تحقیر آمیز دستمزدها

طبق گزارش های حکومتی حداقل‌بگیران سال گذشته از فروردین امسال ماهی ۱۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان خواهد بود و حداقل دریافتی بازنشسته‌های کشوری و لشکری که ۹۰ درصد حقوق کارکنان دولت است در فیش حقوقی فروردین عددی معادل ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان خواهد بود. طبق همین گزارشات حداقل دستمزد کارگر مجرد و بدون سابقه ۲۱ میلیون و ۸۲۵ هزار تومان خواهد بود. تعیین چنین سطحی از مزد برای کارگران و بازنشستگان و مزد بگیران جامعه یک تعرض بزرگ معیشتی است. در حالیکه نرخ تورم و گرانی های نجومی افزایش یافته و صندوق جهانی پول نرخ تورم در ایران را با تورم در زمان جنگ جهانی دوم مشابه میخواند و در حالیکه در سال گذشته بحث بر سر رسیدن نرخ سبد معیشتی به بالای شصت میلیون بود اکنون با بدتر شدن وضع اقتصاد کشور تعیین چنین سطح از مزد اعلام یک جنگ آشکار به کارگران و کل جامعه است. کارگران و مردم در برابر این سطح از تعرض به معیشت خود خواهند ایستاد. جنبش بر سر معیشت امروز جنگی است علیه جمهوری اسلامی که در امتداد انقلاب زن زندگی آزادی قرار دارد.

نسبت به این نقض فاحش حقوق انسان‌ها سکوت نکرده و برای توقف فوری آن اقدام کنند.

کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران
۲۹ فروردین ۱۴۰۵ - ۱۸ آوریل ۲۰۲۶

بیانیه کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران:

محرومیت از خدمات درمانی و پزشکی مصداق بارز شکنجه و جنایت علیه زندانیان

بر اساس گزارش‌ها، در زندان قزلحصار کرج به دستور مقامات مربوطه در استان تهران زندانیان از اعزام به بیمارستان و ملاقات‌های حضوری با خانواده محروم شده‌اند. همچنین محدودیت‌هایی در تماس تلفنی و دسترسی آنلاین آن‌ها اعمال شده است.

این محدودیت‌ها تنها به این زندان معطوف نبوده و در شرایط جنگی و پس از آن نیز در اکثر زندانها اعمال شده و زندانیان از خدمات پزشکی و درمانی محروم شده اند.

کمیته آزادی زندانیان سیاسی با محکوم کردن این رویه‌ها، تأکید می‌کند که حق برخورداری از درمان مناسب و ملاقات با خانواده، از ابتدایی‌ترین حقوق هر زندانی است و هیچ نهاد یا مقامی مجاز به نقض آن نیست. این اقدامات عامدانه، سلامت جسمی و روانی زندانیان را به‌طور جدی به خطر انداخته و نشان‌دهنده سیاستی سرکوبگرانه و غیرانسانی است.

سیاستی که مسئولیت مستقیم آن بر عهده مقامات ذی ربط است. ما خواستار پایان فوری این محدودیت‌ها، تأمین دسترسی بی‌قید و شرط زندانیان به خدمات پزشکی تخصصی، و برقراری ملاقات‌های حضوری منظم با خانواده‌ها هستیم. همچنین از تمامی نهادهای حقوق بشری و افکار عمومی می‌خواهیم که



ادامه کشتار و سرکوبگریهای حکومت و کارزار جهانی علیه زندان و اعدام

جمهوری اسلامی که در جنگ با آمریکا و اسرائیل شکست سیاسی - نظامی سختی خورده و در مقابل خود جامعه را در نقطه انفجار می بیند، همچنان شمشیرها را از رو بسته بر تهدید و سرکوب و کشتارش ادامه میدهد. فضای شهرها بشدت امنیتی است و مراکز ایست و بازرسی توسط نیروهای تروریست نیابتی حکومت در شهرهای مختلف به پا شده است. بازداشتها گسترده است و در این مدت دستگیریهایی وسیعی در شهرهایی چون کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، نطنز، تهران و شهرهای مختلف صورت گرفته است. همچنین گزارشات از بازداشت ۱۸ دانشجوی دانشگاههای تهران و مشهد خبر میدهند و فشار بر روی معلمان معترض همچنان شدید است.

بنا بر آخرین گزارشات شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان روز سه شنبه ۲۵ فروردین محمدعلی زحمتکش، از معلمان معترض در شیراز و رضا امانی بازرس این شورا در بوشهر بازداشت شدند. طبق همین گزارشات سیامک صادقی چهارزی، از معلمان مبارز در خوزستان در هشتم فروردین در منزل خود بازداشت شد و بدنبال آن در شعبه ۱۲ بازپرسی دادسرای انقلاب خوزستان، با اتهاماتی چون "تبلیغ علیه نظام"، "توهین به رهبری" و "امضای بیانیه" روبرو شد و همچنان در زندان است. از سوی دیگر گزارشات از وضع وخیم زندانها و فشار بر روی زندانیان خبر میدهند. طبق خبری از زندان اوین همزمان با افزایش فضای جنگی، کنترل و نظارت بر زندانیان افزایش یافته و محیط زندان حالتی کاملاً امنیتی بخود گرفته است. محدودیت های شدیدی در ارتباط زندانیان بندهای مختلف با هم خصوصاً در بند هفت ایجاد شده است.

در کنار این شرایط تغذیه زندانیان و وضع بهداشت درون زندان بشدت وخیم است. نظیر همین گزارش از زندان شبیان اهواز نیز رسانه ای شده است. در آنجا نیز وضعیت بد غذا، بهداشت زندان، و اطاق های پر ازدحام زندانیان را زیر فشار جدی قرار داده است. در همین رابطه در زندان ارومیه در روز ۲۵ فروردین ۴۹ زندانی سیاسی - عقیدتی در اعتراض به کیفیت پایین غذا و بوی نامطبوع آن از دریافت غذا خودداری کردند. طبق خبرها از آغاز جنگ، کیفیت و کمیت غذای زندانها کاهش چشمگیری داشته است.

در عین حال اعدام ها گسترش یافته است و هر روز احکام اعدام جدیدی از سوی حکومت صادر شده و از ای جلااد معترضین را به مرگ تهدید میکند. در سال ۲۰۲۵ دست کم ۱۶۳۹ تن در ایران اعدام شده اند که نسبت به سال ۲۰۲۴ ۶۸ درصد افزایش داشته است و شماری از آنها از معترضین بوده اند. گسترش اعدامها و هر روزه بودن آن، وضعیت خطرناک زندانیان و ادامه کشتارها توسط جمهوری اسلامی موجب نگرانی کل جامعه شده است. کارزار "سه شنبه های

نه به اعدام" و تداوم آن در همین هفته در بیست و پنجم فروردین ماه در ۵۶ زندان کشور، صدای اعتراض کل جامعه علیه اعدامها و سرکوبگریهای حکومت است. کارزاری که صدایش جهانی شده و امروز در شرایط سیاسی حساسی که در آن قرار داریم فراخوانی جهانی با سه خواست فوری توقف اعدامها در ایران، آزادی زندانیان سیاسی و تمامی معترضان بازداشتی، و نیز تضمین دسترسی آزاد مردم ایران به اینترنت بین المللی داده شده است. این کارزار از روز شنبه ۱۱ آوریل ۲۰۲۶ و تا تاریخ ۲۶ آوریل ادامه خواهد داشت و تا کنون از سوی ۱۵۰ شبکه مبارزاتی، احزاب، تشکلهای سیاسی و نهادهای مدنی و ۹ جمع از ایران مورد حمایت قرار گرفته است. همچنین در پاسخ به آن تاکنون در ۱۳ کشور و ۲۵ شهر فعالیت هایی انجام شده یا در حال انجام است. حامیان ایران این فراخوان عبارتند از: جمعی از فعالین زن زندگی آزادی در دزفول، جمعی از فعالین زن زندگی آزادی در اندیمشک، انجمن دفاع از محیط زیست در اصفهان، جمعی از کارگران نفت در عسلویه، جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته در شیراز، بازنشستگان مطالبه گر در اراک، جمعی از مادران دادخواه دی ماه خونین، کارزار دفاع از کادر درمان زندانی، جمعی از خانواده های بازداشت شدگان دیماه

کمپین برای آزادی کارگران زندانی با کارزار جهانی آپریل علیه اعدام و زندان همراه است و از همه نهادهای کارگری و انساندوست در سطح جهان انتظار وسیعترین حمایت و پشتیبانی را دارد. با تمام قدرت به این کارزار بپیوندیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۸ فروردین ۱۴۰۵، ۱۸ آوریل ۲۰۲۶

Shahla.daneshfar2@gmail.com

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

مشخصات فنی تلویزیون کانال جدید

یوتلست، فرکانس ۱۱۳۸۷ افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم (جهت یاهست) فرکانس ۱۰۸۴۵-
عمودی ۲۷۵۰۰-اف ای سی ۲/۳

یوتلست
فرکانس ۱۱۳۸۷
افقی ۲۷۵۰۰

KANAL
کانال جدید